

## پیامدهای بومرنگی سیاست خارجی ترکیه در سوریه (۲۰۲۰-۲۰۱۰)

جابر قاسمی<sup>۱\*</sup>

علی مختاری<sup>۲</sup>

علی باقری دولت آبادی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۶

### چکیده

از اوائل قرن بیستم و با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، سیاست خارجی این کشور دستخوش تغییرات عمده‌ای شد و تلاش برای تنش زدایی با همسایگان و روابط مسالمت‌آمیز با جهان پیرامون به کانون استراتژیک دستگاه دیپلماتیک ترکیه تبدیل شد. در این راستا آشتی با سوریه در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت و دو طرف، همکاری اقتصادی گسترده‌ای را ایجاد کردند. اما بعد از جنگ داخلی در سوریه، آنکارا به تدریج راه حمایت از مخالفان حکومت بشار اسد را در پیش گرفت و پیامدهای آن بر سپهر داخلی ترکیه نیز نمایان شد. این پژوهش درصدد است با کاربرد الگوی نظری و مفهومی بومرنگ، پیامدهای داخلی سیاست خارجی ترکیه در سوریه را بررسی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاستمداران حزب عدالت و توسعه بعد از دخالت در امور داخلی ترکیه، با ذهنیتی خودکامه و امنیتی، کنترل و سانسور را در جامعه ترکیه تشدید کردند و با حذف صدای مخالفان و منتقدان، درصدد بسط اقتدارگرایی برآمدند. به این معنا، ترکیه نه تنها نتوانست به اهدافش در سوریه دست یابد، بلکه در داخل با بحران‌هایی مواجه شد که به صورت منظومه‌ای از تأثیرات بومرنگی کارکرد حکومت و فضای داخلی ترکیه را دستخوش دگرگونی و تغییر کرد. در این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی و برای گردآوری داده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** بومرنگ، سیاست خارجی ترکیه، بحران سوریه، جامعه مدنی

۱. عضو هیات دانشگاه پیام نور بوشهر

\* نویسنده مسئول: ghasemi.j2008@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

## مقدمه

زمانی که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، زمام قدرت در ترکیه را به دست گرفت، وقوع تغییرات و تحولات در حوزه‌های داخلی و خارجی این محتمل به نظر می‌رسید و رجب اردوغان و حزب عدالت و توسعه از تغییر و دگرگونی در این حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و روابط خارجی سخن گفتند و تحت رهبری این حزب، ترکیه روابط بسیار نزدیکی با سوریه، ایران و عراق برقرار کرد، جایگاه رهبری در کنفرانس سازمان اسلامی را به دست آورد، برای مشارکت در کنفرانس‌های اتحادیه عرب تمایل نشان داد و در عملیات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان مشارکت کرد. به علاوه ترکیه نقش میانجی را در درگیری‌های بین سوریه و اسرائیل و بن بست پرونده هسته‌ای ایران ایفا کرد. با وقوع خیزش‌های مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه، ترکیه در قبال بحران سوریه، ابتدا موضعی نرم در پیش گرفت و سعی کرد نقش میانجی در این بحران را ایفا کند. با گسترده شدن اعتراض‌ها در سوریه، مواضع ترکیه نیز تهاجمی و مداخله جویانه شد. بنابراین، ترکیه، با حمایت از اعتراضات مخالفان حکومت سوریه، مواضع تندی در مقابل اقدامات دولت بشار اسد اتخاذ کرد. اما دخالت آنکارا در بحران سوریه، نه تنها با خواسته‌های رهبران حزب عدالت و توسعه قرین نبود، بلکه به صورت معضلات متعدد در ترکیه جاری شد و این کشور در بحران‌های خودساخته گرفتار شد. حال پرسش این است که کدام الگوی نظری و مفهومی می‌تواند نتایج دخالت ترکیه در سوریه را تشریح کند و این پیامدها چه تأثیری بر جامعه ترکیه گذاشت و دولت از کدام الگوهای رفتاری در سیاست خارجی برای سرکوب جامعه مدنی استفاده کرد؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

### ۱. ادبیات پژوهش

در زمینه سیاست خارجی آنکارا در سوریه و پیامدهای آن بر سپهر داخلی ترکیه، پژوهش‌هایی چند انجام شده است که به‌طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود. بنلی آلتونیسک در مقاله‌ای، با عنوان انعطاف‌ناپذیری سیاست ترکیه در سوریه، بر این باور است که آنکارا سرسختانه در مقابل بشار اسد ایستاد. چنین رویکردی، روابط ترکیه با همسایگانش را دچار مشکل کرد و معضلاتی مانند تهدیدهای امنیتی و تشدید بحران

پناهندگان نیز به آن اضافه شد (Benli Altunisik, 2016). ابراهیم ناتیل<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان چالش‌های سیاست خارجی ترکیه در بحران سوریه، به نگرانی‌های آنکارا در پی جنگ داخلی در سوریه می‌پردازد و معتقد است این بحران موجب شد تا چالش‌های داخلی و خارجی چندی را برای ترکیه ایجاد کند (Natil, 2016). عثمان بهادر دینسر و ممر هاکان<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان تغییر ژئوپولیتیک سیاست خارجی ترکیه در مرزهای جنوبی، معتقدند که با شروع جنگ داخلی در سوریه، ترکیه وارد بحران‌های ساختاری گوناگون شده است که براساس سه مؤلفه قابل ارزیابی است: ۱- مهاجرت، ۲- رشد سازمان‌های تروریستی و ۳- افزایش تحریکات منطقه‌ای و بین‌المللی (Dincer and Hecan, 2016). همه این پژوهش‌ها، بخش‌هایی از الگوی سیاست خارجی ترکیه در سوریه و نتایج آن مانند بحران آوارگان، تروریسم و تقابل آنکارا با نگرش کشورهای مانند روسیه و ایران را توضیح می‌دهد. اما از بخش عمده پیامدهای سیاست خارجی ترکیه، یعنی تشدید اقتدارگرایی دولت، تضادهای ساختاری و سرکوب جامعه مدنی در داخل غفلت می‌کند. به علاوه اغلب این پژوهش‌ها فاقد چارچوب تئوریک منسجم برای تحلیل و فهم نتایج رویکرد ترکیه در سوریه هستند و عمدتاً روشی توصیفی اتخاذ کرده و به چرایی الگوی رفتاری دولت ترکیه در داخل توجهی نکرده‌اند.

## ۲. چارچوب نظری: نظریه بومرنگ

به منظور فهم پیامدهای سیاست خارجی ترکیه در سوریه، چارچوب نظریه تأثیر بومرنگ<sup>۳</sup> می‌تواند رهگشا باشد. زیرا نظریه بومرنگ درصدد است تأثیر دخالت کشورها در امور جوامع همجوار را بر حوزه داخلی آنها بررسی کند. روندی که برای دولت ترکیه در قبال سوریه و پیامدهای آن بر حوزه داخلی این کشور نیز تکرار شد. در چارچوب نظریه بومرنگ، اگر کشور الف به دخالت (عمدتاً نظامی) در کشور دیگری دست بزند، تبعاتی متوجه کشور الف خواهد شد. براساس این نظریه، اقدامات اجباری دولت که کشور دیگری را مورد هدف قرار می‌دهد، اغلب مانند یک بومرنگ عمل می‌کند، بازتاب‌های آن به پیرامون می‌رسد و موجب تضعیف آزادی‌های مدنی در کشور

<sup>۱</sup> -Natil

<sup>۲</sup> -Dincer and Hecan,

<sup>۳</sup> -Boomerang Effect Thory

پرتاب‌کننده بومرنگ می‌شود. این واقعه زمانی اتفاق می‌دهد که میزان و دامنه دولت در نتیجه مداخله خارجی فربه شود (Richman, 2014). نظریه پردازان اصلی تأثیر بومرنگ کریستوفر جی. کوینه<sup>۱</sup> و ابیگیل ر. هال<sup>۲</sup>، دو اندیشمند آمریکایی هستند. آن‌ها در مقاله‌ای مفصل به ابعاد مختلف نظریه بومرنگ و پیامدهای دخالت خارجی کشورها پرداخته‌اند.

## ۲-۱. روش‌های تأثیرگذاری سیاست خارجی بر سیاست داخلی

کوینه و هال معتقدند که مداخله خارجی از طریق چهار روش می‌تواند، پیامدهایی برای خود کشور مداخله‌گر داشته باشد: یکم: مداخله خارجی به ایجاد تغییرات در ساختار قدرت کشور مداخله‌گر منجر می‌شود و فربه شدن یا مرکزگرایی دولت را به همراه دارد. هنری جکوبی<sup>۳</sup> اشاره می‌کند که «در طول تاریخ، ذهنیت نظامی‌گری همیشه به شکل‌گیری ذهنیت بوروکراتیک (دیوانسالارانه) انگیزه داده است». دوم: مداخله خارجی، عاملی در پیدایش و نهادینه کردن نیروی انسانی است که در مداخله خارجی شرکت می‌کند. مداخله خارجی جبری مستلزم اتخاذ کنترل اجتماعی خارجی از طریق رویه‌های بوروکراتیک دولتی جهت دست یافتن به اهداف مد نظر است.

سوم: نهادها و سازمان‌های محلی کشور مداخله‌گر نیز از این فرایند مصون نیستند و تغییرات جدی را تجربه می‌کنند. نوآوران و مجریان دخیل در مداخله‌های خارجی قهری - اعم از شهروندان یا پرسنل نظامی - سرانجام سرمایه انسانی خود را به دیگر فعالیت‌های اجرایی اختصاص می‌دهند. نتیجه این خواهد بود که فعالیت‌های داخلی، چه در عرصه عمومی یا خصوصی، تحت تأثیر تجربه‌های آن دوخته شده در کشورهای خارجی خواهد بود. به محض اینکه این فرایند شروع شود، تشخیص و تمیز دادن تمهیدات کنترل اجتماعی دولتی تولید شده در خارج و داخل کمرنگ و غیرقابل تشخیص می‌شود (Coyne and Hall, 2014: 171-172).

چهارم: مداخله‌های خارجی قهری به نوآوری و خلاقیت در سرمایه فیزیکی مرتبط با کنترل اجتماعی دولتی منجر می‌شود. نوآوری‌های تکنولوژیکی به دولت‌ها اجازه می‌دهد

1 -Christopher J Coyne

2 -Abigail R. Hall

3 Henry Jacoby

تا با استفاده از روش‌های کم هزینه‌تر کنترل اجتماعی نه فقط بر جماعت‌های خارجی بلکه بر شهروندان داخلی نیز دسترسی بیشتری داشته باشند ( Coyne and Hall, 2014: 172-173). به‌طور کلی، با عنایت به مباحث مطرح شده در نظریه کوین و هال می‌توان پیامدهای ذکر شده را به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱. مداخله خارجی دولت‌ها به مرکزگرایی و تمرکز قدرت در دست حاکمیت منجر می‌شود و نظام توزیع قدرت در راستای سرکوب مردم و گروه‌های داخلی تغییر می‌کند.
۲. دخالت دولت‌ها در بیرون از مرزها، عاملی می‌شود تا بخشی از نیروهای انسانی، مهارت‌هایی را یاد بگیرند که در راستای اهداف دولت و سرکوب جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی باشد. در این شرایط ساختار محیطی که فرد شیوه‌های نظارت و کنترل را در آن یاد می‌گیرد، تعیین کننده است.
۳. مجریان و نوآوران که نظارت و کنترل اجتماعی را در خارج از کشور تسری داده‌اند، این فرایند را در قالب نهادها و سازمان‌های دولتی به داخل کشور انتقال می‌دهند و تجربیاتشان را در آن جا نیز پیاده می‌کنند.
۴. دولت‌ها برای مداخله خارجی نیازمند دسترسی به ابزارهای جدید تکنولوژیک هستند. ولی این خلاقیت‌های فیزیکی سرانجام به حیطه داخلی نیز کشیده می‌شود و به مثابه وسیله‌ای برای کنترل و نظارت بر شهروندان بومی به‌کار گرفته می‌شود.

## ۲-۲. پیش شرط‌ها یا مؤلفه‌های تأثیر بومرنگی

دیگر مبحث مهم در نظریه بومرنگ به مؤلفه‌های تأثیرگذار رابطه مداخله دولت در بیرون از مرزها و پیامدهایش بر حوزه داخلی اختصاص دارد. به این معنا چه مؤلفه‌ها و شرایطی باید وجود داشته باشد تا اعمال دولت در خارج به صورت بومرنگ بر سیاست داخلی نیز تأثیر بگذارد.

اولین مؤلفه به تکنولوژی و شیوه‌های به کار رفته در مقابله با کشور خارجی مربوط می‌شود. تکنولوژی‌های استفاده شده برای کنترل مردمان کشورهای خارجی ممکن است به آسانی قابل اعمال در درون خود کشور مداخله‌گر نباشد. برای نمونه، لئوپولد<sup>۱</sup>، پادشاه

<sup>۱</sup> King Leopold

بلژیک یک دستگاه کنترل اجتماعی را در کشور کنگو و بر اساس نیروی قهریه - برای مثال، کشتن و قطع اعضای بدن شهروندان کنگو - ایجاد کرد. اما این شیوه‌های وحشتناک و به راحتی قابل مشاهده در حیطه کنترل اجتماعی، به دلیل ساختارها و ایدئولوژی رایج، قابلیت سازگاری با جو و محیط خود کشور بلژیک را نداشت (Coyne and Hall, 2014: 173).

ایدئولوژی داخلی، دومین فاکتور است که می‌تواند به صورت‌های گوناگون بر ابعاد و سرعت پیامد بوم‌رنگ تأثیرگذار باشد. ایدئولوژی و طرز تفکر اعضای قوه قضاییه در مورد نقش صحیح قدرت دولت قطعاً بر روی قانونی بودن بسط حوزه فعالیت‌های دولت مؤثر خواهد بود. یک ایدئولوژی همسو با نقش محدودتر دولت در تضاد با پیامد نظریه بوم‌رنگ و مقابله با ورود ابزارهای کنترل اجتماعی دولتی در کشورهای خارجی، عمل می‌کند. ایدئولوژی اتخاذ شده از سوی شهروندان داخلی نیز بسیار حائز اهمیت است. برای مثال، اگر بسط حیطه فعالیت‌های دولت برای جمع‌کنندگی از رأی دهندگان داخلی قابل قبول نباشد، چنین فرایندی بر سرعت و ابعاد پیامدهای بوم‌رنگ نیز تأثیرگذار خواهد بود (Coyne and Hall, 2014: 174).

سومین فاکتور، ماهیت خود گروه‌ها و مردمانی است که مورد هدف کشورهای مداخله‌گرند. در بسیاری از موارد دخالت خارجی، دولت‌ها به دنبال کنترل و مهار کشورهای هدف هستند. اما این امر به دلیل ماهیت گروه‌ها و تغییر و تحول آنها و پیچیدگی شناسایی آنها همیشه قابل اجرا نیست. برای مثال، در دوران بعد از حوادث یازدهم سپتامبر، یکی از دغدغه‌های دولت آمریکا این است که تروویست‌های خارجی قادر هستند وارد آمریکا شده و دست به حملاتی در خاک خود این کشور بزنند. نتیجه این خواهد بود که «جنگ علیه ترور» تنها به یک حمله و مداخله خارجی محدود نمی‌شود بلکه یک دخالت داخلی که مستلزم اعمال کنترل اجتماعی جهت ممانعت از بروز تهدیدات تروریستی است را نیز شامل می‌شود (Coyne and Hall, 2014: 174). برپایه تئوری بوم‌رنگ، هنگامی که نظامیان از جنگ برگشته به‌عنوان افسران پلیس در داخل مشغول می‌شوند، مهارت‌های قدرتمندی را همراه خویش می‌آورند، اما همچنان تصور می‌کنند که حوزه داخلی کشورشان مانند میدان جنگ است. اما این ذهنیت، تنها

معطوف به نظامیان نیست، بلکه سیاستمداران و نخبگان مستقر در قدرت نیز، با مداخلات مکرر خارجی، شیوه‌ها و روش‌های سرکوب و زور را در خود نهادینه کرده و به اعمال آن در حوزه داخلی، عادت می‌کنند. این امر به ویژه در مورد بخش‌هایی مانند وزارت دفاع، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی برجسته‌تر است که خشونت را، راه حلی برای غلبه بر مشکلات و حذف نیروهای مقاوم می‌دانند. حال اگر، پیشینهٔ دموکراتیک و مدنی در چنین کشورهایی قوی نباشد، سیاستمداران و بورکراسی دولتی، موانع کمتری در استفاده از خشونت ضد مردم می‌بینند و با رفتارهای مداخله آمیز در خارج از مرزها به شکل بومرنگ‌های قوی در حوزه داخلی طنین‌انداز می‌شود و سرکوب و قهر به رویه‌ای معمول تبدیل می‌شود.

### ۳. سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه

بعد از پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲، سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه در چارچوب تنش صفر با جهان پیرامون پیگیری شد. سوریه به‌عنوان یکی از همسایگان ترکیه در نگاه دولت‌مردان این کشور اهمیت بسزایی داشت و دو طرف با عزمی راسخ، راه دوستی و گسترش مناسبات را دنبال کردند. چنانکه در طول دوره انزوای سوریه متعاقب حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ و پس از قتل رفیق حریری، نخست وزیر لبنان در سال ۲۰۰۵، عبدال... گل رئیس‌جمهور وقت ترکیه در سفر سال ۲۰۰۹ به سوریه گفت: سوریه، دروازه ترکیه به خاورمیانه است، و ترکیه دروازه سوریه به اروپا (Walker, 2012: 2). بسط روابط دوستانه ترکیه و سوریه، همکاری‌های گسترده منجر به تأسیس «شوای عالی همکاری استراتژیک» و منطقه آزاد تجاری، معافیت از صدور روادید برای انجام سفر میان دو کشور شد. تجارت دوجانبه میان دو کشور طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۶، سه برابر شد و میزان حجم تجارت از ۷۹۶ میلیون دلار، به ۲/۲۹ بلیون دلار رسید (Walker, 2012: 2). اما بعد از وقوع جنگ داخلی در سوریه از اوائل سال ۲۰۱۱، روابط دوستانه ترکیه و سوریه تضعیف شد، زیرا آنکارا حمایت نسبی از مخالفان دمشق را در پیش گرفت. در واقع با شروع بحران سوریه، ترکیه ابتدا راه میانجی‌گری را برگزید، اما خیلی طولی نکشید که ترکیه از بشار اسد خواست به حقوق مخالفان احترام بگذارد اما با تشدید درگیری‌ها، ترکیه به حمایت علنی از مخالفان مسلح

پرداخت و همراه با جبهه غرب و کشورهایمانند عربستان و قطر خواستار سرنگونی بشار اسد شد. چنانکه سخنگوی دولت ترکیه در باب رویکرد دولت سوریه به این کشور گفت: «مخالفتان با بشار اسد کاملاً مشخص است. ما نمی‌توانیم به اتحاد و سوریه صلح‌آمیز با او باور داشته باشیم» (Cunningham, 2017). با گذشت زمان، انگیزه ترک‌ها در جهت سرنگونی اسد راسخ گردید و در این مسیر از هیچ اقدامی حتی تهدید به حمله نظامی فرو گذار نکردند. ترکیه همسایهٔ بزرگ سوریه، به مقابله با این کشور پرداخت و به سوریه اولتیماتوم نهایی داده و حتی این کشور را به شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری تهدید کرده است. در واقع شدت گرفتن حوادث در سوریه، ترکیه را مجبور به رها کردن سیاست تنش صفر کرد و اردوغان نخست وزیر وقت ترکیه گفت: «حکمرانان سوریه که روزی هم پیمانان نزدیک ترکیه بوده‌اند، در عوض سرکوب خونبار مردم خود، سقوط خواهند کرد». رجب طیب اردوغان همچنین پیش بینی کرد که انزوای سوریه عمیق‌تر شود (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۲۷).

اما از سال ۲۰۱۵، ترکیه به تدریج به سمت گفت‌وگو و رویکردی ملی‌گرایانه تر در سیاست خارجی خود گام نهاده است. این سیاست عمیقاً با جهت‌گیری سیاست خارجی لیبرالی ترکیه در دهه اول حکمرانی حزب عدالت و توسعه و همچنین قاطعیت آرمانگرایانه این حزب در طول بهار عربی در تضاد است. در مناقشه سوریه، ترکیه از هدف اولیه خود مبنی بر کمک به مخالفان اسد به راهبردی که هدف آن مهار دستاوردهای گروه‌های جدایی طلب کرد است، تغییر جهت داده است. این تغییر استراتژیک، محصول تهدیدات امنیتی در حال ظهور و همچنین دگرگونی‌ها در سیاست داخلی از جمله تثبیت سیستم ریاستی است. رویکرد جدید ترکیه بر ترس‌های سنتی از فروپاشی و فرهنگ ناامنی استوار است و مسئله کردی به مانند گذشته به چالش اصلی سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده است. بنابراین حزب عدالت و توسعه با در معکوس کردن برنامه اصلاحی اولیه خود، واکنش نظامی برای مقابله با این چالش را اتخاذ کرده و عملیات‌های نظامی متعددی را که در سوریه انجام داده است ( Kösebalaban, 2020:335).



از سوی دیگر، حمایت مستقیم روسیه و ایران از سوریه، بحران این کشور را به مرحله تازه‌ای وارد کرد و آنکارا همراه با هم‌پیمانان عرب و غربی‌ش در یک سو و روسیه، ایران و سوریه در سوی دیگر قرار گرفتند. نتیجه این تقابل، درگیری مستقیم ترکیه با روسیه بود که به سرنگونی هواپیمای نظامی روسها منجر شد و مسکو نیز تحریم‌هایی علیه ترکیه اعمال کرد. به علاوه ایران نیز سیاست خارجی ترکیه نسبت به سوریه را به باد انتقاد گرفت و تنش‌هایی میان دو طرف ایجاد شد. امید ترکیه برای حمایت ناتو و غرب از این کشور در بحران سوریه و مقابله با اسد و روسیه و ایران نیز، به سرانجامی نرسید و آنکارا در این بحران تنها ماند. مجموعه این حوادث، مقامات دولت ترکیه را به این نتیجه رساند که بار دیگر استراتژی‌شان را در سوریه تغییر دهند و با روسیه و ایران بر سر میز مذاکره بنشینند. بدین ترتیب رویکرد ترکیه در قبال سوریه با مطالبات هژمون جهانی و بلوک قدرت غرب درهم تنیده شد تا سوریه را به عنوان یکی از متحدان اصلی روسیه و ایران که هر دودر جبهه مخالف غرب و نظام سرمایه‌داری قرار دارند، سرنگون کند اما محاسبات اشتباه سیاستمداران حزب عدالت و توسعه درباره تحولات سوریه و مواجهه غرب با اقدامات روسیه و ایران، آنکارا را در چنبره‌ای از بحران‌های خودساخته گرفتار کرد که پیامدهای آن به شکل بوم‌رنگی در داخل ترکیه ظاهر شد و همه حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی این کشور را فراگرفت.

#### ۴. مداخله آنکارا در سوریه و پیامدهای بوم‌رنگی آن در حوزه داخلی ترکیه

##### ۴-۱. بحران امنیت

بی شک، تروریسم و تأثیرات آن بر امنیت ترکیه، مهم‌ترین پیامد بوم‌رنگی سیاست خارجی آنکارا در سوریه بوده است. بحرانی که با رخنه داعش و تقویت گروه‌های مخالف کُرد، صدمات زیادی به حوزه امنیتی ترکیه وارد کرد و اقتصاد، توریسم و ثبات سیاسی و اجتماعی این کشور را دچار مشکل کرد. ترکیه که در جنگ سوریه از حامیان اصلی گروه‌های مخالف مسلح بود، بتدریج و در سال‌های بعدی جنگ در ائتلاف ضد داعش شرکت کرد و این مخالفان را از گروه‌هایی مانند داعش و جبهه النصره جدا کرد. این اقدام ترکیه واکنشی طبیعی بود. زیرا ترکیه در ائتلاف به رهبری آمریکا علیه داعش -

که به‌عنوان اعلام جنگ رسمی علیه گروه‌های تروریستی بود- مشارکت کرد و به نیروهای ائتلاف اجازه داد از پایگاه اینجریلیک علیه تروریست‌ها استفاده کنند. در نتیجه بعد از چند ماه مذاکره میان ترکیه و داعش و بی‌نتیجه بودن این مذاکرات، داعش به‌طور مستقیم ترکیه را تهدید کرد و دولت حزب عدالت و توسعه با پیامدهای تصمیم‌های بی‌پروایش نیز مواجه شد (Bipartisanpolicy, 2016:2). بنابراین سرایت بحران و ناامنی‌های سوریه تهدیدی جدی برای همه کشورهای هم‌جوار و منطقه محسوب می‌شد و ترکیه که دستاوردهای ملی و مناسبات رو به بهبود خود با سوریه را فدای بلندپروازی و خوش خدمتی‌های حزب عدالت و توسعه به غرب کرده بود، خود آسیب پذیرترین کشور در این رابطه بود (یزدان پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲:۱۰۳).

در حوزه امنیتی، حملات تروریستی، اصلی‌ترین چالش برای ثبات این کشور بوده است. به‌عنوان مثال ترکیه در سال ۲۰۱۵ میلادی شاهد ۳۰ حمله تروریستی بود که در نتیجه آنها بیش از ۴۵۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی شدند و در سال ۲۰۱۶ ترکیه شاهد ۲۷ مورد حمله تروریستی در شهرهای بزرگ خود بود که در جریان آنها ۳۳۷ نفر کشته و یک هزار و ۴۱۸ نفر زخمی شدند. بیشتر این حملات در دو شهر استانبول و آنکارا - یعنی قلب اقتصادی و سیاسی ترکیه - انجام شد (عصر ایران، ۱۳۹۵). عده‌ای از کارشناسان سیاسی عقیده دارند که این حملات نتیجه اقدامات ترکیه در سوریه و جنگ هم‌زمان با پ.ک.ک است. و مقامات و جناح‌های اساسی حاکم در این کشور، به جای ریشه‌یابی ناامنی و اتخاذ راهکارهایی برای جلوگیری از حملات بیشتر، همدیگر را سرزنش می‌کنند (Cagaptay and Pollock, 2013). در این میان، داعش با اقدامات خود نشان داد که در ترکیه دارای شاخه‌های پنهان فراوانی است. علاوه بر اینکه بسیاری از اعضای داعش در پوشش آوارگان از داخل سوریه به ترکیه آمده‌اند، برخی از جوانان ترکیه‌ای نیز به داعش پیوسته‌اند و حضور آنها در خانه‌های تیمی پنهان در اغلب استان‌های ترکیه، زمینه‌ساز حملات تروریستی و ناامنی در ترکیه شد. در واقع ترکیه در حوزه امنیتی، با چالش‌ها و مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند و با مشکلات بزرگی از سوی گروه‌های تروریست مواجه می‌شود (Cockburn, 2015:271). در این

چارچوب، مهم‌ترین میراث داعش برای سیاست خارجی و تأثیرات آن بر ساختار و جامعه ترکیه را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. به مخاطره افتادن وجهه عمومی ترکیه در انظار عمومی جهان از منظر حقوق بشری؛  
 ۲. قطبی شدن جامعه ترکیه و پیامدهای مخرب آن بر امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛

۳. گسترش دامنه گروه‌های افراطی و جهادی در ترکیه

۴. انزوای بیشتری ترکیه در خاورمیانه و تعمیق چالش این کشور با قدرت‌های مؤثر خاورمیانه همچون ایران؛

۵. به چالش کشیده شدن ترکیه توسط گروه داعش به واسطه تحلیل‌های وهمی از خلافت (خلیلی نژاد کشکوئی و دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

علاوه بر داعش، تشدید درگیری ترکیه با کردها هم به ناامنی در این کشور دامن زد و پ.ک.ک در پاسخ به حملات ارتش ترکیه، حملاتی را در ترکیه انجام داد که به کشته شدن بسیاری از نظامیان و غیرنظامیان منجر شد. عمده اختلاف پ.ک.ک با ترکیه متأثر از رویکرد آنکارا در سوریه بود. زیرا ارتش ترکیه بارها از قدرت‌گیری کردها هراس داشت و این اقدام به تقویت مواضع گروه‌های کرد در مناطق مرزی ترکیه منجر شد. به این معنا، بحران سوریه، سیاست قدیمی ترکیه در قبال کردها را با چالش‌های جدی مواجه کرد. زیرا هم‌زمان با ناآرام شدن شهرهای سوریه، فعالیت‌های کردهای مخالف ترکیه در این کشور تشدید شد. در این بین با وجود آنکه اردوغان از زمان آغاز تحولات سوریه، نسبت به تحرکات کردها حساسیت به خرج داد و حتی اعلام کرد در صورت تداوم تهدیدهای پ.ک.ک، منطقه مرزی امن در شمال سوریه تشکیل می‌دهد. با این حال گذشت زمان نشان داد که این سیاست ترکیه به شکست انجامیده است. حملات پی در پی اعضای پ.ک.ک. به شهرهای مختلف ترکیه، نه تنها باعث به‌وجود آمدن ناامنی در این کشور شد، بلکه به مرور زمان مشروعیت و کارآمدی دولت اردوغان را در دفاع از امنیت ملی و مواجهه با ناامنی نیز زیر سؤال برد. این درحالی بود که به جای ارتش سوریه که سال‌ها مرزهای این کشور با ترکیه را آرام نگه داشته بود، نفرات مسلح پ.ک.ک. و شاخه سوری آن، حزب اتحاد دموکراتیک (پارتی یکتیتا دموکرات) بر چهار

شهرستان کردنشین قامشلی، حسکه (حسیچه)، رأس العین (سری کانی)، مالکیه (دیرک) در شمال شرق و شهرستان کردنشین عفرین در شمال استان حلب مسلط شده بودند. در واقع اعضای حزب کارگران کردستان کنترل برخی از نقاط مرزی را در اختیار گرفته بودند و این امر می‌توانست بیش از پیش به نبردهای چریکی پ.ک.ک. با ارتش ترکیه دامن بزند (Amberin, 2014).

در نتیجه حضور فعال اعضای داعش و پ.ک.ک. در ترکیه سبب شد که این کشور یک هدف عمده برای گروه‌های تروریستی باشد و با وجودی که یکی از ۱۰ کشور نخست دنیا در زمینه جذب گردشگر خارجی به شمار می‌رود و از این راه دهها میلیارد دلار عواید ارزی دارد، اما حملات تروریستی هدفمند که قلب صنعت گردشگری ترکیه را آماج خود قرار داده، ترکیه را به یکی از ناامن‌ترین کشورهای جهان تبدیل کرده است. به طور کلی، حوادث سوریه و پیامدهای آن در حوزه امنیتی به مثابه بوم‌رنگی عمل کرد و باعث عملیات داعش در داخل ترکیه شد و دیگر مرزی بین داعش و پ.ک.ک. در موضوعات امنیتی برای ترکیه وجود نداشت. از طرف دیگر، تحولات سوریه و حمایتی که آمریکایی‌ها از پی.وای.دی یا همان کردهای سوریه برای به دست آوردن سرزمینی که عملاً علیه ترکیه بود انجام داد، ساز و کارهای امنیت ملی ترکیه را به این فکر رساند که اردوغان در حال به خطر انداختن منافع ملی و امنیت داخلی ترکیه است؛ بنابراین تغییر یا برگشت‌پذیری عمده‌ای در سیاست خارجی ترکیه انجام گرفت و اردوغان مجبور شده در مسیر مشخص شده گام بردارد (موسوی، ۱۳۹۵).

جدول شماره ۱: حملات تروریستی در ترکیه؛ ۲۰۱۵-۲۰۱۶

کل حملات		کل کشته‌ها		درصد کشته‌ها به ازای حملات		کل مجروحین		درصد مجروحین به ازای حملات		کل افراد گروگان گرفته شده و ربوده شده	
۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۶
۳۶۳	۳۰۹	۶۵۷	۳۳۷	۱۸۱	۱۱۱	۲۲۸۲	۸۲۸	۶۳۷	۲۰۱۶	۱۸	۴۱

منبع: <https://www.state.gov/j/ct/rls/crt/2016/272241.htm>

#### ۴-۲. بحران آوارگان سوری

یکی از تأثیرات بومرنگی دخالت ترکیه بر سوریه، مسأله آوارگان است که این کشور را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دچار بحران کرده است. از زمان شروع بحران در سوریه، ۵ میلیون و یکصد هزار نفر از این کشور آواره شده‌اند و سه میلیون نفر به ترکیه رفته‌اند. بدین سان ترکیه به بزرگ‌ترین میزبان آوارگان در جهان تبدیل شد و طبق آمارها تا آوریل ۲۰۱۶، ۴۷ درصد از آوارگان سوری در ترکیه به سر می‌برند. موج آوارگان سوری از سه طریق بر حوزه اقتصادی و اجتماعی ترکیه تأثیر گذاشته است. یکم؛ هزینه‌های عمومی. به این معنا، ترکیه از سال ۲۰۱۱، ۱ درصد از تولید ناخالص ملی‌اش را به آوارگان سوری اختصاص داده است. دوم، پناهندگان سوری نه فقط با عرضه نیروی کار، بلکه با مهارت‌های کارآفرینی به بازیگری در اقتصاد ترکیه تبدیل شده‌اند.

چنان که تا سال ۲۰۱۵، از ۱۵۹۹ شرکت خارجی، ۱۵۷ شرکت توسط سوری‌ها تأسیس شده است. سوم، افزایش پناهندگان سوری بر ساختار سنی جمعیتی در ترکیه تأثیر گذاشته است و بیشتر این آوارگان نوعی هرم جمعیتی را شکل می‌دهند که نیازمند حمایت هستند و جمعیت جوان ترکیه را با تغییرات گسترده‌ای مواجه می‌کنند (Esen and Oguş Binatlı, 2017: 1). ورود این پناهندگان به خاک ترکیه اقتصاد این کشور را با مشکلات متعددی مواجه کرده است زیرا اقتصاد ترکیه قابلیت لازم برای جذب افزایش چنین نیروی کاری را ندارد. به علاوه بی ثباتی سیاسی و وضعیت اقتصادی، چشم انداز نیروی کار در ترکیه را چه با پناهندگان و چه بدون آنها با نگرانی‌هایی مواجه کرده است.

در این میان شهرهای مرزی ترکیه با سوریه، بیش از دیگر مناطق در خطر ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی است. چنان که با ورود آوارگان سوری به ترکیه، میزان بیکاری در ترکیه در چند سال اخیر افزایش یافته است. به نحوی که نرخ بیکاری از ۱۰.۳۰ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۱۱.۳ در سپتامبر ۲۰۱۶ رسیده است. همچنین نرخ بیکاری در بخش کشاورزی ۱.۳ درصد افزایش یافته است. آمار نیز بیانگر آن است که ۸۵ درصد از آوارگان سوری کمپ‌هایشان را ترک کرده‌اند تا در بازار کار رسمی و غیررسمی شغلی برای خود کسب کنند. به علاوه، حضور پناهندگان سوری در ترکیه، در سال‌های اولیه



جنگ داخلی، راه حلی موقتی به نظر می‌رسید، حال حضور آنها به امری دائمی تبدیل شده است و امکان دارد بسیاری از سوری‌ها همه عمرشان را در ترکیه سپری کنند. این شرایط با واکنش‌های متفاوتی از سوی جامعه میزبان و سوری‌ها ایجاد کرده و در آینده ادغام اجتماعی به مشکلی عمده میان آوارگان و جامعه ترکیه تبدیل خواهد شد. چنان که حوزه آموزش، موقعیت شغلی، مسکن، خدمات اجتماعی از این شرایط تأثیر پذیرفته است و ساختار چندفرهنگی جامعه ترکیه را دچار تغییر کرده است.

#### ۳-۴. بحران در روابط خارجی و تضعیف شرایط اقتصادی

یکی دیگر از پیامدهای بوم‌رنگی سیاست ترکیه در سوریه، بحران در روابط خارجی و تضعیف شرایط اقتصادی بود. به این معنا که ترکیه با برخی کشورهای منطقه مانند ایران، روسیه و عراق نیز دچار مشکلات متعددی شد. هر سه کشور از ماندگاری نظام حزب بعث و بشار اسد در سوریه جانب‌داری می‌کردند در حالی که ترکیه با هر سه بازیگر در بحران سوریه، منافع متضادی داشت. سرنگونی سوخوی ۲۴ روسیه توسط ارتش ترکیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵، تنش میان دو طرف را به بالاترین حد رساند. اختلاف ترکیه و روسیه درباره بحران سوریه باعث شد که میزان مبادلات اقتصادی دو کشور از ۳۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۱۴ میلیارد دلار در ۲۰۱۵ کاهش یابد (بهمن، ۱۳۹۵: ۱۴۴). به علاوه پس از سرنگونی هواپیمای روسیه توسط ترکیه، مسکو به صراحت اعلام کرد که از اول ژانویه ۲۰۱۶، رژیم لغو روادید بین روسیه و ترکیه را ملغی خواهد کرد.

علاوه بر این، روسیه از شهروندان خود خواست که دیگر ترکیه را به‌عنوان مقصد گردشگری انتخاب نکند. این در حالی است که سالانه حدود ۴.۵ میلیون نفر به‌عنوان گردشگر از روسیه وارد ترکیه می‌شوند که توقف این روند می‌تواند خسارت ۱۰ میلیارد دلاری به اقتصاد ترکیه وارد کند (بهمن، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

در این میان، تنها صنعت گردشگری ترکیه متحمل ضرر نشد، بلکه کل اقتصاد این کشور از سیاست خارجی آنکارا و بی‌ثباتی‌های متعاقب آن متأثر شد. به این معنا که ترکیه در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، با رشد ۹.۸ و ۸.۹ در میان ده کشور با بهترین نرخ رشد اقتصادی قرار گرفته بود و رشد اقتصادی این کشور تا سال ۲۰۱۲ هم بین حدفاصل ۷ تا ۹ بود. اما با شروع بحران سوریه و دخالت آنکارا در بحران سوریه، روند رشد اقتصادی

به ۲.۹ در ۲۰۱۴ و ۴ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت (Dalay, 2016: 17). آمارها نیز بیانگر آن است که ترکیه در ۱۲ ماه منتهی به اوت ۲۰۱۲ با داشتن موازنه پرداخت‌های منفی ۵۹ میلیارد دلار، بیشترین کسری پرداخت‌ها را در منطقه دارد و از لحاظ موازنه پرداخت‌ها، در قعر جدول جهانی (قبل از آمریکا) قرار گرفته و رتبه ۱۹۱ را به خود اختصاص داده است (جبرائیلی، ۱۳۹۱).

در همین راستا، ارزش لیر ترکیه از سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ سقوط کرده و در نتیجه از هر چهار کودک در این کشور یک کودک با خطر گرسنگی روبه‌روست. به ادعای احزاب مخالف، در ترکیه بیش از ۱۷ میلیون فقیر وجود دارد و بیش از ۶ میلیون بیکار به چشم می‌خورد. آمارهای اقتصادی در ترکیه نشان می‌دهد ۲۷ درصد از مردم این کشور از رشد اقتصادی ۱۰ سال گذشته سودی نبرده و زیر خط فقر قرار گرفته‌اند.

میزان بیکاری در ترکیه به ۱۱ درصد رسیده که بیشترین میزان در پنج سال گذشته است. طبق آمار موجود ۱۹ درصد از ساکنان ترکیه درآمد کمتر از دو دلار در روز دارند و ۳/۵ درصد از مردم با درآمد کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند. کنفدراسیون سندیکای کارگری ترکیه، خط فقر برای یک خانواده چهار نفری در ترکیه را برای ماه آوریل ۲۰۱۵ بالغ بر ۴ هزار و ۳۴۴ لیر و مرز گرسنگی را یک هزار و ۳۳۴ لیر اعلام داشته است (فاضلی، ۱۳۹۴). وخامت شرایط اقتصادی ترکیه در سال‌های اخیر هم ادامه داشته، به نحوی که نرخ تورم در اکتبر سال ۲۰۲۲ با ثبت رقم ۸۵.۵۱ به بالاترین میزان تورم از سال ۱۹۹۷ به این سو رسید. در آن سال تورم این کشور به ۵۸.۶۷ درصد رسیده بود که بالاترین حد خود محسوب می‌شد. البته بسیاری از کارشناسان اقتصادی نسبت به درستی آمار رسمی دولتی ترکیه تردید دارند و معتقدند نرخ تورم در ماه اکتبر در این کشور تا ۱۸۵ درصد نیز رسیده است. دلیل این روند کم‌ارزش بودن لیر، افزایش بهای غلات و انرژی عنوان شده است. همچنین ۲۸ درصد از ارزش خود را از دست داده است (وب سایت دویچه وله، ۱۴۰۱). همچنین کاهش ارزش لیر ترکیه در سال ۲۰۲۲ رکورد شکست و ارزش لیر در ماه ژوئیه ۲۰۲۲، همزمان با افزایش نگرانی‌ها از سیاست ارزی دولت این کشور و تورم روزافزون باز هم کاهش یافت. کاهش ۰.۴ درصدی ارزش لیر

باعث شد تا هر دلار آمریکا معادل ۱۷.۸۳۳۵ لیر معامله شود. این رقم کمترین میزان ارزش لیر از ماه دسامبر ۲۰۲۱ تاکنون به شمار می‌رود (یورو نیوز، ۲۰۲۲).

جدول شماره ۲: نرخ تورم در ترکیه

۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴
۷.۷	۸.۵	۷.۵	۸.۹	۶.۴	۸.۶	۶.۳	۱۰.۴	۸.۸	۹.۶	۸.۲	۸.۶

منبع: <http://www.inflation.eu/inflation-rates/turkey/historic-inflation/cpi-inflation-turkey.aspx>

جدول شماره ۳: جریان ورود سرمایه گذاری خارجی به ترکیه: میلیارد دلار

۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴
۱۶	۱۲۸	۱۲.۳	۹.۵	۱۶.۲	۸.۸	۸.۶	۱۹.۷	۲۲.۹	۲۰.۱	۱۰.۱	۲.۷

منبع: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD?locations=TR>

جدول شماره ۴: هزینه نظامی ترکیه: میلیارد دلار

۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴
۱۷.۶	۱۸.۱	۱۷.۳	۱۷	۱۷.۵	۱۶	۱۶.۸	۱۴.۹	۱۳.۲	۱۲.۱	۱۱

منبع: <https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS?locations=TR>

#### ۴-۴. سرکوب جامعه مدنی

مهم‌ترین نتیجه دخالت آنکارا در سوریه و پیامد آن در حوزه داخلی ترکیه، در حوزه جامعه مدنی بازنمود یافت. مدت زمانی کوتاه، بعد از درگیری ترکیه در بحران سوریه، جامعه مدنی این کشور متحمل ضربه‌های شدیدی از سوی حاکمیتی شد که تمرکزگرایی و قبضه قدرت را در راستای سرکوب مردم و گروه‌های مخالف در داخل به‌کار گرفت. مخالفت گروه‌ها مدنی، کردها و جامعه علویان با دخالت ترکیه در جنگ سوریه و افزایش شکاف میان جنبش فتح‌الله گولن و هواداران حزب عدالت و توسعه و دیگر بحران‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک، باعث شد تا دولت ترکیه برای غلبه بر این مشکلات، استفاده از سرکوب و زور را در دستور کار قرار دهد. و در این میان، جامعه مدنی در نوک حمله دولت اقتدارگرای ترکیه قرار گرفت. بنابر گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، تعداد روزنامه‌نگاران زندانی در ترکیه در ۲۰۱۶ چهار برابر شده و این کشور بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در جهان لقب گرفت. در طول یک سال پس



از تلاش برای کودتا در ۱۵ ژوئیه، ۵۰ هزار نفر بازداشت شده و ۱۷۰ نفر به ظن ارتباط با گروهی که گفته می‌شود مغز متفکر کودتا بود، بازجویی شده‌اند. کشور بیش از همیشه چندپارچه شده، روزنامه‌ها ساکت و مخالفان مرعوب شده‌اند و قدرت اردوغان با قدرت مصطفی کمال آتاتورک، بنیانگذار این جمهوری، رقابت می‌کند. وضعیت اضطراری کودتا به رییس جمهور اجازه دارد تا سیاست‌های پارلمانی را متوقف کند، بیش از ۱۵۰ هزار نفر از کارمندان دولت اخراج شدند، هزاران نفر از فعالان مدنی و تجار بازداشت شدند. ۷۰۰۰ کادر دانشگاهی از شغل‌شان را از دست دادند، صدها رسانه و ایستگاه‌های تلویزیونی بسته شد، هشتصد و هفتاد و نه شرکت توقیف و بیش از هزار و پانصد سازمان مدنی تعطیل شدند (Americanprogress, 2017).

در واقع نظام حاکم بر ترکیه از دخالت در سوریه این نکته را فراگرفته بود که تا بخشی از نیروی انسانی به‌ویژه دستگاه قضائی و ارتش را برای سرکوب، هوادارن گولن، حامیان احزاب کرد و نیروهای سکولار مخالف اردوغان به کار گرد. ساختار محیطی ترکیه و سوریه نیز این امکان را به نیروی انسانی در ترکیه داد تا شیوه‌های سرکوب و زور را بر گروه‌های مخالف داخلی پیاده کنند. چنان که هر گونه انتقاد از مقامات دولتی یا سیاست، به سرعت «تهدید علیه امنیت ملی»، «تبلیغات تروریستی» و یا «توهین» محسوب می‌شود. کودتای نافرجام در ژوئیه ۲۰۱۶ نیز به رجب طیب اردوغان فرصت داد تا در سطح وسیع و کم سابقه‌ای هر آنچه را که صدای مخالفی بود تصفیه کند. هزاران قاضی دادگستری، صدها فرمانده ارتش در همه سطوح، صدها روزنامه نگار سرشناس، اساتید دانشگاه، دانشجویان، معلمان و هزاران نفر دیگر تنها به ظن مخالفت با دولت اردوغان از پست‌های دولتی و نظامی اخراج شدند.

در کنار این اقدامات، اردوغان در کشور حالت فوق‌العاده اعلام کرد، بنابراین اختیارات فوق‌العاده‌ای که اردوغان از طریق تغییر قانون اساسی در صدد به دست آوردنش بود، رئیس جمهور را از یک پست تشریفاتی به صاحب قدرت‌ترین فرد حکومت پیش از موعد تبدیل کرد. بهانه دولت برای ادامه فشار و بگیر و ببندها این ادعا بود که هنوز کودتا به‌طور کامل خنثی نشده است. واقعیت قضیه این بود که اردوغان از طریق این تصفیه گام به گام درونی به دنبال یکدست کردن حاکمیت بود، همچنان که اردوغان



خودش در شب بعد کودتا اعلام کرد که این یک برکت الهی بود. چون به او امکان داد تا هم حاکمیت را از طریق فشار و سرکوب یکدست کند و هم جنبش‌های اجتماعی و توده‌ای را سرکوب کند و هم از خلال این تاکتیک‌های سرکوبگرانه با اعتماد به نفس بیشتری هدف بعدی‌اش که برگزاری رفراندوم و تغییر قانون اساسی به نفع تمرکز قدرت در دستان خودش بود، را مسجل کند. در ۲۰ می ۲۰۱۶ دادستانی ترکیه مصونیت قضایی بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان پارلمان ترکیه که عمدتاً از حزب دمکراتیک خلق‌ها بودند را لغو کرد که به تأیید اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه رسید. به دنبال این مصوبه در ۴ نوامبر ۲۰۱۶ بازداشت گسترده سران و اعضای حزب دمکراتیک خلق‌ها آغاز شد. از جمله صلاح الدین دمیرتاش و فیگن یوکسیک داغ و یازده نفر از نمایندگان حزب دمکراتیک خلق‌ها در پارلمان ترکیه دستگیر شدند. این موج دستگیری‌ها در ادامه دستگیری و اخراج دهها هزار نفر از مخالفین سیاسی صورت گرفت (کریمی، ۱۳۹۶).

تسریع روند اقتدارگرایی و سرکوب جامعه مدنی در این دولت، تا حد زیادی متأثر از رفتار ترکیه در بحران سوریه داشت که به شکل پدیده بومرنگی در داخل بازتاب یافت. این تأثیرات در چند حوزه مشهود و قابل تأمل است:

۱. نکته اول آنکه، درگیری ترکیه در بحران سوریه بدون همراهی بسیاری از گروه‌ها و مردم این کشور بود و مخالفت‌های گسترده‌ای نیز با رویکرد آنکار صورت پذیرفت. کردها، علویان و بسیاری از نیروهای سکولار ترکیه، هر کدام به نحوی با سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال سوریه مخالف بودند و همین امر، دولت ترکیه را به مرکزگرایی و شکل‌گیری ذهنیت نظامی‌گری و اقتدارگرایانه نسبت به مخالفان حضور آنکار در ترکیه وادار کرد. مقایسه مواضع اردوغان، داود اوغلو و دیگر مقامات حزب عدالت و توسعه در قبال دولت سوریه و اسد با گروه‌های رقیب در ترکیه، نشان از نگرشی اقتدارگرایانه و امنیتی می‌دهد. اردوغان بارها اسد را به رفتن و سرنگونی تهدید کرد و همین نگرش در سخنان او نسبت به مخالفان داخلی موج می‌زند. بنابراین شکل‌گیری ذهنیت مداخله‌گر و کنترل‌کننده از سوی مقامات دولت ترکیه اولین پیامد بومرنگی رویکرد این کشور در سوریه بود که چندی بعد دامن گروه‌های رقیب در داخل را نیز گرفت. برای مثال، اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه در یکی از سخنرانی‌هایش

علیه دولت سوریه با موضعی تند و آمرانه گفت: «صبر ترکیه در مقابل سیاست دولت سوریه علیه معترضان به سر آمده و هر چه زودتر باید رفتار سوریه عوض شود، وگرنه دولت ترکیه ناگزیر است مواضع دیگری اتخاذ کند.» (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۳). به همین منوال، احمد داود اوغلو در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵ با لحنی خشن اعلام کرد: «نیروهای امنیتی ترکیه، محله به محله، خیابان به خیابان، و خانه به خانه شهرهای جنوب شرقی را از وجود عناصر تروریستی پاک می‌کنند». همین نگاه مرکزگرای سیاستمداران ترک، باعث شد تا صدها غیرنظامی در این مناطق به دست نیروهای امنیتی کشته شوند (Syriafreedomforever/2016).

۲. در بعد دوم باید به پیدایش و نهادینه شدن نیروی انسانی مداخله‌گر در ترکیه پرداخت. بسیاری از نظامیان ترکیه که با گروه‌های پ.ک.ک و کردها در سوریه مقابله کردند یا کادر بورکراتیکی که مجری سیاست‌های دولت ترکیه علیه سوریه بود، بعد از مدتی رفتارهای مداخله جویانه را در وجود خود نهادینه کردند و با استفاده از شیوه‌های متنوع سرکوب از جمله - نظارت، حکومت نظامی، تبعیض نژادی، رشوه خواری، سانسور، سرکوب، زندان، خشونت، و غیره به سرکوب جامعه مدنی پرداختند. بسیاری از این رفتارها مانند رشوه خواری، تبعیض نژادی و خشونت در قبال آوارگان سوری نیز اعمال شد. به علاوه در حوادث بعد از کودتای ۲۰۱۶، نهادینه شدن رفتارهای خشونت‌آمیز در بخشی از جامعه ترکیه به شکل مقابله با مخالفان اردوغان تبلور یافت و عده‌ای از آن‌ها قربانی این تغییر روند شدند.

۳. تحلیل بعد سوم تأثیرات بومرنگی در داخل ترکیه، نقش و کارکرد نهادها و سازمان‌های مداخله‌گر دولت را بررسی می‌کند. نهادهایی مانند پلیس، ارتش، رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و قوه قضائیه که به عنوان بازوی حزب عدالت و توسعه با سیاست مداخله جویانه دولت ترکیه در سوریه همراهی کرده بودند، بتدریج رفتارها و تکنیک‌هایی را فرا گرفتند و آنها را بر علیه شهروندان خودی اعمال کردند. به عنوان مثال رادیو و تلویزیون دولتی به همان نحو که اخبار بحران سوریه را در راستای خواسته‌های دولت ترکیه پوشش می‌داد و بسیاری از واقعیت‌های جنگ مانند خشونت گروه‌های مخالف مسلح را سانسور می‌کرد، در مواجهه با اقدامات احزاب کرد، جنبش فتح ...

گولن و گروه‌های مدنی نیز رویه‌ای مشابه در پیش گرفت و با سوءگیری، اخبار و گزارش‌ها را به نفع دولت پخش کرد. به همین منوال، ارتش ترکیه که بارها مناطق کردنشین در سوریه را بمبارن کرد یا دست به حمایت گروه‌های مخالف مسلح زد، بتدریج این رویه زور و سرکوب را در داخل اجرا نمود و به قلع و قمع مخالفان حزب عدالت و توسعه به خصوص در فردای بعد از کودتا پرداخت. بسیاری از این نهادها برچسب‌هایی مانند امنیت ملی یا دفاع از حاکمیت ملی را به بهانه توجیه دخالت دولت ترکیه در بحران سوریه به کار بردند و همین رفتار را در قبال مخالفان داخلی نیز تکرار کردند.

سانسور و تحریف اخبار، یکی از رفتارهایی بود که سازمان‌های رسانه‌ای ترکیه مانند رادیو تلویزیون و روزنامه‌های دولتی، ابتدا در پوشش جنگ سوریه به کار بردند و بتدریج درباره اخبار داخلی نیز همین رویه را تکرار کردند. به عنوان مثال، در دو حادثه مشابه ابتدا جت‌های جنگی ترکیه در ژوئن ۲۰۱۲ توسط ارتش سوریه مورد حمله قرار گرفت و دو سال بعد یعنی در مارس ۲۰۱۴، ارتش ترکیه، جت‌های جنگی سوریه را هدف قرار داد. اما مطبوعات ترکیه در هر دو ماجرا، اتهام و سرزنش را متوجه ارتش سوریه کردند و به شدت تحت تأثیر، ساختار، قواعد و فشارهای سیاسی حاکمیت قرار گرفتند و از پوشش واقعیت ماجرا سرباز زدند (Ersony, 2016).

این محدودیت‌های دولتی علیه رسانه‌ها، به حوزه اخبار داخلی نیز سرایت کرده و سانسور و خودسانسوری تبدیل به عرف شده است. زیرا حزب عدالت و توسعه، نیاز به تسلیم کامل رسانه‌ها دارد و کسانی که با نگرش دولت موافق نیستند، تحت جریمه‌های نقدی و مالیاتی قرار می‌گیرند. به علاوه دولت رسانه‌های مطرح و مستقل را می‌خرد و مدیریت آن را به دست می‌گیرد. چنان که مدیریت بزرگترین روزنامه کشور یعنی زمان در فوریه ۲۰۱۶، تغییر کرد و این روزنامه از منتقد به حامی اردوغان و سیاست‌های حزب و عدالت و توسعه تبدیل شد. «گروه دوغان»<sup>۱</sup> هم که روزنامه‌های پرنفوذ «ملیت»<sup>۲</sup> و «واتان»<sup>۳</sup> و شبکه تلویزیونی پرطرفدار استار TV را در اختیار داشت، به دلیل انتقادات

<sup>۱</sup>-The Dogan Group

<sup>۲</sup>-Vatan

<sup>۳</sup>-Milliyet

از دولت، جریمه سنگینی شد و مجبور شد این رسانه‌ها را به گروه‌های بفرشد که رویه‌ای غیرانتقادی به دولت دارند (Batty, 2016).

۴. روش چهارمی تأثیر بومرنگی رفتار دولت ترکیه در داخل، در قالب کاربرد تکنولوژیهای سخت افزاری و عمدتاً نرم افزاری پدیدار شد. دولت با استفاده از پول و کنترل ابزارهای رسانه‌ای و پلیسی، روش‌های کم هزینه‌تری را برای نظارت و کنترل رفتار شهروندان به کار گرفت. فن آوری‌های تکنولوژیکی و ارتباطی و رصد کردن شبکه‌های اجتماعی این امکان را به نهادهای پلیسی و امنیتی در ترکیه داد تا نگرش و رفتارهای شهروندان در فضای مجازی را کنترل کرده و بتوانند از این سلاح برای محدود کردن و بازداشت مخالفان و فعالان سیاسی و مدنی استفاده کنند. در یک نمونه از پیامدهای بومرنگی این روش می‌توان به برخورد با منتقدان بعد از حمله ترکیه به عفرین اشاره کرد. چنان که بعد از این حمله نظامی سرکوب داخلی نیز شدت گرفت و دولت ترکیه با رصد کردن شبکه‌های اجتماعی، ۱۵۰ نفر از کسانی که از این حملات انتقاد کرده بوده و در این شبکه‌ها پست گذاشته بودند، بازداشت کرد. ۴ نفر روزنامه نگار هم جزء این بازداشتی‌ها بودند. بهانه دولت برای برخورد با ۱۵۰ فعال شبکه‌های اجتماعی، اتهام تبلیغ برای سازمان‌هایی تروریستی بود. اما چنین اقداماتی از سوی دولت ترکیه روندی عادی به خود گرفته و مقامات سیاسی به هر گونه انتقادی برجسپ «تهدید علیه امنیت ملی»، «تبلیغات تروریستی»، «توهین» یا موارد مشابه می‌زنند (Allen, 2018).

علاوه بر چهار روشی که به شکل پدیده بومرنگی پیامدهای دخالت ترکیه در سوریه را در داخل این کشور بازتاب داد، سه مؤلفه مهم نیز در اقدامات نظارتی و مداخله‌ای دولت مشهود بود:

۱. اولین مؤلفه، شیوه‌ها و شرایطی بود که دولت ترکیه در مقابله با گروه‌های عمدتاً کردنشین سوریه و در خاک این کشور به کار گرفت. چنان که جنگنده‌های ترکی در برخی از مناطق سوریه به خصوص عفرین، مرتکب حملات هوایی و جنایات عمده‌ای شدند. بسیاری از غیرنظامیان کرد قربانی سیاست‌های توسعه طلبانه و امنیتی ترکیه شده و بمب افکن‌های اف ۱۶ ارتش ترکیه با استفاده از بمب‌های هوشمند یک تنی آمریکایی، صدها تن از مردم این شهر را کشته و زخمی کردند. در این عملیات نظامی که از ۲۰

ژانویه ۲۰۱۸ در عفرین آغاز شد، بیش از ۶ هزار نیروی نظامی ترکیه به بهانه مبارزه با تروریسم، حملات توپخانه‌ای و هوایی متعددی را علیه مردم این شهر انجام دادند و بسیاری از مناطق مسکونی، مساجد و مدارس و مراکز درمانی را هدف قرار دادند. دیگر گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که ترکیه در این عملیات از سلاح‌های ممنوعه علیه مردم عفرین استفاده کرده است. مقامات محلی نیز ادعا کردند که ارتش ترکیه از بمب‌های ناپالم علیه غیرنظامیان سود بردند و بسیاری از سوختگی‌های مجروحان وحشتناک و غیرطبیعی است. در عین حال، استفاده از مهمات خوشه‌ای در دستور کار دولت ترکیه بوده است (Bodette, 2018). اما باید توجه داشت که کاربرد این شیوه‌های خشن و وحشتناک در محیط داخلی ترکیه به راحتی امکان پذیر نیست، زیرا جو جامعه ترکیه امکان اجازه استفاده از این ابزارها و شیوه‌ها را به دولت نمی‌دهد. با این حال، ارتش در مقابله با پ.ک.ک در بخشی از خاک ترکیه، استفاده از این شیوه‌ها و کاربرد بمب‌های ویرانگر را مجاز می‌داند و به روشی مشابه عفرین در مناطق کوهستانی که مقر شبه نظامیان کرد است، از این ابزارها بهره برده است.

۲. دومین مؤلفه‌ای که در پیامدهای داخلی سیاست خارجی ترکیه در سوریه، نقش مهمی ایفا کرد، ایدئولوژی بود. سران حزب عدالت و توسعه بارها در نطق‌های آتشین علیه بشار اسد، خود را میراث دار دولت عثمانی خواندند و از همسویی مذهبی با مردم سوریه سخن گفتند. چنان که اردوغان در سخنرانی سال ۲۰۱۲، اعلام کرد: ما کشوری هستیم که استمرار دولت فخریه عثمانی به شمار می‌رود. ما فرزندان سلاجقه و عثمانی هستیم. ما امتداد تاریخ اجدادمان هستیم که برای سعادت، صلح و برادری مبارزه کردند. اگر ترکیه در زمان مناسب اقدامات مقتضی را انجام می‌داد امروز شاهد این جنایات نبودیم. دیگر دوران ترکیه ساکت و بی تفاوت گذشته است و دیگر به ملت‌های همسایه خود پشت نخواهیم کرد (دانش نیا و هاشمی، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۰).

تلفیقی این نگاه ایدئولوژیک اسلامگرا و ملی‌گرای دولت ترکیه در مواجهه با رقبا و مخالفان داخلی نیز به کار رفت. اردوغان و دیگر مسئولان حزب عدالت و توسعه که بارها با نگرش مذهبی و ملی، در مقابل دولت سوریه رجز خوانی کردند، با استفاده از همین حربه گروه‌های مخالف در داخل را تهدید کردند. مثلاً در روزهای بعد از کودتای

۲۰۱۶، بسیاری از فعالان و استادان دانشگاه و روزنامه نگاران به بهانه خیانت به ملت ترک یا داشتن نگرش مذهبی متفاوت با دولت حاکم، از کار اخراج یا بازداشت شدند. ۳. سومین مؤلفه و فاکتور، گروه‌های داخلی و مردم ترکیه هستند که شدیداً تحت نظارت و کنترل دستگاه‌های دولتی قرار دارند. حامیان گولن، هواداران پ.ک.ک و احزاب کرد، روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه‌ها و نظامیان از گروه‌هایی بودند که توسط دولت و دستگاه قضائی به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی تلقی شدند و به بهانه مبارزه با تروریسم شدیدترین برخوردها با آنها صورت گرفت.

این نگاه امنیتی ترکیه به مردم و گروه‌های داخلی تا حد زیادی متأثر از نگرش نظامی‌گری و امنیتی به بحران سوریه داشت و سرانجام در حوزه داخلی نیز امتداد یافت. رهبران حزب عدالت و توسعه که مدت زمانی بعد از شروع جنگ در سوریه، راه حل را در استفاده از زور علیه دولت حاکم در این کشور می‌دیدند، بتدریج مردم و گروه‌های داخلی را نیز به بهانه‌هایی مانند مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت ملی تحت سرکوب قرار دادند. میزان فشارها بر گروه‌های داخلی و مردم به نحوی بوده است که از سال ۲۰۱۶، یکصد هزار کارمند دولت اخراج شدند، در میان این افراد، هزاران معلم و استاد دانشگاه به حمایت از سازمان‌های تروریستی متهم و ۴۰ هزار نفر نیز بازداشت شدند. به علاوه، فقط در ماه نوامبر ۲۰۱۷، چهارصد سازمان غیردولتی تعطیل شده و ترکیه در تاریخ معاصر خود، شاهد بزرگترین پاکسازی بود. عفو بین الملل هم گزارش داده است که بازداشت شدگان در ترکیه تحت شکنجه، تجاوز و انواع بدرفتاری قرار دارند (Kamberis, 2017). در واقع مردم ترکیه، قربانی نگاه غیریت ساز دولتمردان این کشور شدند و با ابزارهای مختلف تحت نظارت و کنترل دستگاه‌های دولتی قرار گرفتند.

### نتیجه‌گیری

حزب عدالت و توسعه بعد از پیروزی تاریخی در انتخابات سال ۲۰۰۲، زمام قدرت در ترکیه را به دست گرفت و خط مشی جدیدی در سیاست خارجی این کشور برگزید. نگرشی که در داخل بر بهبود شرایط اقتصادی و آشتی با کردها، علویان و در سیاست خارجی بر مبنای مناسبات دوستانه با جهان پیرامون و تنش صفر با همسایگان استوار بود. این سیاست در قبال سوریه نیز اتخاذ شد و آنکارا-دمشق پس از سال‌ها روابط



مطلوبی برقرار کردند و همکاری در بخش‌های مختلف به‌ویژه در حوزه اقتصادی را گسترش دادند. اما شروع بهار عربی و بحران در سوریه، آرامش این روابط را بر هم زد و ترکیه بعد از زمان کوتاهی که از بشار اسد درخواست انجام اصلاحات و میانجی‌گری میان او و مخالفان را پیشنهاد داد، راه و چاره‌ای دیگر انتخاب کرد. راهی که ادامه آن به حمایت از مخالفان اسد و درخواست کنار رفتن او از قدرت منجر شد. اما دولت سوریه به این خواسته ترکیه واقعی ننهاده و بتدریج آنکارا خود را در جنگ سوریه بیش از پیش درگیر کرد. دخالت گسترده ترکیه در سوریه، نه تنها نتوانست آمال و خواسته‌های اردوغان را جامه عمل بپوشاند، بلکه بتدریج به صورت بومرنگ و بحران‌هایی چند دامن دولت و جامعه ترکیه را فرا گرفت. این بحران‌ها به شکل ورود ۳ میلیون آواره و پیامدهای آسیب‌زای آن، افزایش حملات تروریستی از جانب داعش و گاه شبه نظامیان کرد، تیرگی روابط با روسیه و ایران درباره سوریه، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، بحران در صنعت توریسم و کاهش ارزش پول ملی، واگرایی دولت با جمعیت کرد، علویان و فتح ... گولن و سکولارها و نظامیان ارشد و از همه مهم‌تر سرکوب جامعه مدنی و تشدید اقتدارگرایی دولت متبلور شد و ترکیه را در بحرانی خود ساخته گرفتار کرد.

این منظومه بومرنگ بحران‌ها که تا حدی نتیجه دخالت دولت حزب عدالت و توسعه در جنگ سوریه بود، پیامدهاش را به چهار روش در جامعه ترکیه نشان داد: در وهله اول، سیاستمداران ترکیه ذهنیت راه حل نظامی و امنیتی برای بحران سوریه را در خود نهادینه کرده و این باور را برای حل مشکلات داخلی به کار بسته و تمرکزگرایی دولت را تشدید کردند. در وهله دوم، نیروهای انسانی که با دخالت دولت در سوریه همراهی کرده بودند، شیوه‌های رفتاری مانند سرکوب، سانسور، تبعیض نژادی، زندان و کنترل و نظارت را بر شهروندان ترک اعمال کردند. چنان‌که ارتش، پلیس و دستگاه قضائی به شکلی خشن با فعالان مدنی و مخالفان دولت برخورد کردند. در روش سوم هم نهادها و سازمان‌هایی مانند ارتش، پلیس و دستگاه قضائی، شیوه‌های مداخله قهری در خارج را فرا گرفته و علیه مظنونان به تروریست، فعالان مدنی، فعالان کرد، هواداران گولن و دیگر گروه‌های مخالف به کار گرفتند. به علاوه دولت ترکیه با کاربرد نوآوری‌های تکنولوژیکی و تجهیزات و سخت افزارهای موجود، روند نظارت و کنترل مخالفان را



تشدید و البته به شکلی کم هزینه‌تر ممکن ساخت. پیامدهای داخلی سیاست ترکیه در سوریه تنها به این موارد محدود نشد و بمباران‌هایی هوایی برخی مناطق سوریه از سوی ارتش ترکیه در مواردی بسیار محدود در قبال شبه نظامیان کرد نیز تکرار شد و دولت که با بهره‌گیری ایدئولوژی ملی‌گرایی ترک و عثمانی‌گری، به مخالفت با نظام سوریه پرداخته بود، همین رویه را در مقابل مخالفان داخلی در پیش گرفت و گروه‌ها و مردم ترکیه را مورد هدف نظارت و کنترلی قرار داد و نگرش امنیتی و نظامی‌گری در خارج را به درون مرزها منتقل کرد.

#### منابع

- پورابراهیم، ناصر، (۱۳۹۳). سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه. «فصلنامه سیاست خارجی»، سال بیست و هشتم، شماره ۱، بهار. صص ۱۴۸-۱۲۷.
- جبرائلی، یاسر. (۱۳۹۱). اقتصاد بادکنکی ترکیه؛ سراب رشد و حباب توسعه، «خبرگزاری فارس»، بازیابی شده از:  
<https://www.farsnews.com/news/13910819000685>
- بیات، ناصر. (۱۳۹۰). نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه، «فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری»، سال دوم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۷۸-۱۶۱.
- ترکیه میزبان ۳۰ حادثه تروریستی در یکسال گذشته (+رویدادشمار)، «وب سایت عصر ایران»، بازیابی شده از:  
<http://www.asriran.com/fa/news/515108/>
- خلیلی نژاد کشکوئی، روح ا...؛ دهشیار، حسین. (۱۳۹۶)، بحران سوریه و امنیت ملی ترکیه، «فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام»، سال ۷، شماره ۲، تابستان، صص ۱۴۰-۱۰۷.
- دانش نیا، فرهاد و هاشمی، مسعود. (۱۳۹۴). تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن (۲۰۱۴-۲۰۰۲)، «رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی»، شماره ۳۹، پاییز، صص ۷۲-۴۳.
- فاضلی، محمود. (۱۳۹۴). کاهش رشد اقتصادی ترکیه، وب سایت فرصت روز، موحود در:  
<https://www.forsatnet.ir/.html>
- کریمی، شورش (۱۳۹۶). سیر تکوین فاشیسم نئوعثمانی، «وب سایت پیام»، بازیابی شده از:  
<http://www.payaam.org/matalebreside/2018/2/page15.html>
- نیاکویی، امیر و بهمنش حسین. (۱۳۹۱). بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، «فصلنامه روابط خارجی»، سال چهارم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۳۵-۹۵.
- یزدان پناه درو، کیومرث و نامداری، محمد مهدی. (۱۳۹۲). بحران سوریه، با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، «دو فصلنامه بیداری اسلامی»، سال دوم، شماره سوم.

- Allen, K. (2018). Turkey's huge crackdown is destroying civil society, Retrieved from: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/jan/30/amnesty-workers-terrorists-repressive-new-turkey-ngo-draconian-government>
- Amberin, Z. (2014). Syrian Kurds continue to blame Turkey for backing ISIS militants Al-Monitor.
- Batty, D. (2016). Turkey's media faces 'unprecedented crisis', says English PEN, Retrieved from: <https://www.theguardian.com/media/2016/mar/23/turkey-media-english-pen-recep-tayyip-erdogan>.
- BenliAltunisik, M. (2016). The Inflexibility of Turkey's Policy in Syria, Retrieved from: [https://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxius-adjunts/anuari/med.2016/IEMed\\_MedYearbook\\_2016\\_keys\\_Turkey\\_Syria\\_Policy\\_Benli\\_Altunisik.pdf](https://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxius-adjunts/anuari/med.2016/IEMed_MedYearbook_2016_keys_Turkey_Syria_Policy_Benli_Altunisik.pdf)
- Bodette, M. (2018). Turkey is committing war crimes in Afrin, Syria, Retrieved from: <https://theregion.org/article/12691-turkey-is-committing-war-crimes-in-afrin-syria>.
- Cagaptay, S. and Pollock, D (2013). Whatever Happened to "The Turkish Model"? Retrieved from: <http://cagaptay.pundicity.com/12771/turkish-model>.
- Cokkburn, P. (2015). The Rise of Islamic State: ISIS and the New Sunni Revolution, London; Brooklyn, N.Y.: Verso.
- Cunningham, E. (2017). Syria's war creates myriad problems for Turkey, Retrieved from: [https://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/syrias-war-becomes-a-bigger-problem-for-turkey/2017/01/17/ab4ba450-c7be-11e6-acda-59924caa2450\\_story.html?noredirect=on&utm\\_term=.cc3ff7f5b94b](https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/syrias-war-becomes-a-bigger-problem-for-turkey/2017/01/17/ab4ba450-c7be-11e6-acda-59924caa2450_story.html?noredirect=on&utm_term=.cc3ff7f5b94b)
- Coyne, C.J and Hall, Al R. (2014), Perfecting Tyranny Foreign Intervention as Experimentation in State Control, Retrieved from: [http://www.independent.org/pdf/tir/tir\\_19\\_02\\_01\\_coyne\\_hall.pdf](http://www.independent.org/pdf/tir/tir_19_02_01_coyne_hall.pdf).
- Erdogan's Turkey: repression, authoritarianism and terror, (2016). Retrieved from: <https://syriafreedomforever.wordpress.com/2016/01/27/erdogans-turkey-repression-authoritarianism-and-terror>
- Ersoy, M. (2016). War-peace journalism in the Turkish press: Countries come to the brink of war, Retrieved from: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1748048516630717>
- Esen, O, and OqusBinatli., A., (2017). The Impact of Syrian Refugees on the Turkish Economy: Regional Labour Market Effects, social sciences, Vol 129. October.
- Kamberis, V. (2017). A quest for power: Erdogan's attack on human rights, Retrieved from: <https://medium.com/@HellenicLeaders/a-quest-for-power-erdogans-attack-on->
- Kösebalaban, Hasan. (2020), Transformation of Turkish Foreign Policy Toward Syria: The Return of Securitization, Middle East Critique , Volume 29, - Issue 3, pp.335-344.

- Kuyumcu, İ. and Kösematoğlu, H, (2016). The Impacts of The Syrian Refugees on Turkey s Econimy.
- Natili, I. (2016). Turkey's Foreign Policy Challenges in the Syrian Crisis, Irish Studies in International Affairs, Vol. 27 (2016), pp. 75-84.
- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism: Annex of Statistical Information, Retrieved from: <https://www.state.gov/j/ct/rls/crt/2016/272241.htm>
- Sheldon, R. (2014). The “Boomerang Effect”: How Foreign Policy Changes Domestic Policy, Retrieved from: <https://c4ss.org/content/32287>
- Trends in Turkish Civil Society, (2017), Retrieved from: <https://www.americanprogress.org/article/trends-turkish-civil-society/>
- Turkey vs. ISIS and PKK: A Matter of Distinction, (2016). Retrieved from: <https://bipartisanpolicy.org/wp-content/uploads/2016/07/BPC-Turkey-ISIS-PKK.pdf>.
- Walker, J. W. (2012). “Turkey’s Time in Syria: Future Scenarios,” Crown Center for Middle East Studies, No. 63.
- <https://www.state.gov/j/ct/rls/crt/2016/272241.htm>-
- <https://data.unhcr.org/en/situations/syria>
- <http://www.inflation.eu/inflation-rates/turkey/historic-inflation-cpi-inflation-turkey.aspx>